

فهرست

- هویت تاریخی
- اعتراضات مردمی، اغتشاشات حکومتی
- آرمان خواهی یا مصلحت گرایی؛ دوراهی تاریخی
- آیین نامه ضد آزادی
- به وقت تریبون

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

شعارمصلحت‌اندیشی

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویی
دانشگاه علوم پزشکی اصفهان
مدیر مسئول: کامیاب کریم‌پور
سردبیر: حمیدرضا محسنی
نویسندگان: حمیدرضا محسنی، کامیاب کریم‌پور
امیر جعفری، مهسا پورمهدی، کوثر مرادپور
ویراستار: مهسا پورمهدی
صفحه آرا: حمیدرضا محسنی
طراح لوگو: مجید سلیمان

آرمان خواهی یا مصلحت اندیشی؛ دوراهی تاریخی

دانشجوی می‌میرد…

تشخیص مصلحت انسان، برخاسته از بدوی‌ترین آموخته‌هایش، در تنگنای حوادث، حفظ حیات بوده‌است. لکن امروز بشر، جاندار یک سر و دو زانوی سابق نیست. نه در خوراک، ریشه گیاه را لایق می‌گیرد و نه در باران، قناعت به غارها می‌کند. طی ادوار، چنان در مادیات حصول منفعت کردند که آن‌ها را مکرر به این پرسش می‌رساند که

براستی این پیشرفت تا چه سرحداتی مقذور است؟ سوالی که بارها می‌توانست برای آن‌ها شروع یک رخوت باشد.

طی قرن‌ها در مکاتب گوناگون وی اصولی را درک و پیجویی کرد که بعدها از آن به حقوق تعبیر نمود تا جایی که امروز در ترازوی وجدانشان، داشته‌ها و ثروت‌ها-که نظر ما در اینجا مقوله‌ای متمایز از رفاه است- در قیاس با **وزنه‌ی حقوق** بسیار ناچیز می‌نماید. یافته‌های فرامادی آنها که برایشان دست نیافتنی‌تر از ثروتهای مادی بود، همیشه آن‌ها را برای زندگی در یک آینده‌ی طولانی‌تر به جلو هل داده‌است و مشوقی است برای تداوم حرکت تکاملی انسان‌ها. این مفاهیم که شاید در قله‌ی همه‌ی آنها واژه‌ی آزادی ایستاده باشد، مشمول کلیتی شدند به نام آرمان. همان چیزی که بشر خسته از دستاوردهای فیزیکی را از دلمردگی رهاند، به سوی خود فراخواند، تکاپو را شدت بخشید و رفاه و مادیات در سایه‌ی نیل به این قله مزیداً رشد یافت تا جایی که در پهنه‌ی تاریخ، انسان‌ها بارها حاضر شدند از مصلحت حیاتی مدید به نفع خیالی هرچند بعید بگذرند تا دست کم دقایقی را در رویای آرمان‌های خود زندگی کرده‌باشند. این است که آرمانگرایی و حماسه‌های تقدیس شده‌اش در بین همه‌ی جوامع و به تبع آن قشری از جامعه که بیشتر از سایرین انگیزه و بنیه و البته وظیفه توسعه و تکاپو را داراست، یعنی دانشجو، بارها بر دیگر مصالح آنها رجحان یافته باشد. اما براستی مصلحت چیست و آرمان کجاست؟ حقیقتاً راهبردی که در ردای مصلحت نمود می‌یابد و تشویق می‌کند به خزیدن در سوراخ‌ها هنگام سرما، مردانی می‌سازد که زمستان را تنها از پشت پنجره دیده‌اند. کنده چوب‌ها خیس می‌خورند و آنها فقط نگاه می‌کنند. اینجاست که ارمان آرمانخواهی پیشرفت است و دستاورد مصلحت رکود.

سالیانی است که در پیشواز مسیر صعب‌العبور آزادی، یا سد سرکوب است یا دیوار بی‌اعتنایی و یا قسم خدا و پیغمبر که "نکنید،انقلاب را تضعیف نکنید…!"

آشکار است که ضعف در تضاد با قدرت است و قدرت همیشه پایگاه می‌طلبد که بی‌شک این پایگاه را ازدحام ملی پیشکش انقلاب ایران می‌کرد. جالب آن‌جا که حبل پروردگار در میان آن‌ها نه نان بود، نه نفت، حتی پانزده سال خبری از آب و برق مجانی هم نبود، بلکه آرمان بود. همان تجویز رهبران حاذق که ملت‌های خموده و از پا نشسته را به رستاخیز می‌کشاند. به راستی ریشه قدرت انقلاب در اعتصاب به ریسمان الهی است که مقرر بود ره به سوی آرمان شهر مطلوب ببرد و این حق مردمی بود که مصلحتشان را ارمانشان یافته بودند. پس یقیناً قدرتی که در مقابل مطالبات برحق نزول می‌کند، قدرت برحق نیست.

قدرتی که آمده‌است تا باشد و مهم نیست از کجا یا به چه مقصد؟ مهم دوام است تا موعود ناپیدا و عوامی که گرد این کعبه‌ی آمال، سالیان سال طواف کنند و همیشه مقصدشان، مبدانشان باشد. طبل توخالی‌ای که هرروز فریادش بلندتر می‌شود تا گوش‌زدهای ملت منتظران را نشنود.

امروز ما -و سیاهه‌ی همه مصائبی که خواننده بهتر از من برآن واقف است- تاوان سکوت‌های مصلحتی ماست. با سروپوش مصلحت در مسلک صاحب‌منصبان، از سکوت به دروغ رسیدیم و از دروغ به سکوت. مصلحتی که همیشه به نفع اقلیت است، مصلحت جمهوری نیست، مصلحت قدرت است. قدرتی تمامیت‌خواه و ماندگار که تداعی روزهایبست که به رستاخیزمان منتهی شد. لذا مصلحتی که دوام قدرت باشد نه فقط تبعاتش از آرمان‌ها به دور است، بلکه صرف پایداری آن متضاد با اصلی‌ترین محور آرمانخواهی انقلاب است، متضاد با جمهوریت.

به هر طریق از پس آن رویداد عظیم، ملت ظفرمند آرمان‌های خود را حق یافتند، ولی امروز دیگر احقاقش را به محشری دیگر گره نمی‌زنند که این خود عدول از سنگر حقی است که خاکریزش تلی از تن‌های بی‌جان گشته و سرهای بی تن مانده‌است. پاسبان خاک آرمانشهر، سنگر امید. سنگر دانشجوست.

مصلحت همیشگی دانشجو مسئولیت اوست و تکلیفش آرمان او. این درس مکتب انقلاب است و ما خارج از این چارچوب مصلحتی نمی‌شناسیم و الا با برچیده‌شدن سنگر آرمانخواهی از دانشگاه دیگر سراغش را باید از آرشبو تاریخ گرفت. آنجایی که کنار خِش خِش نوار کاست‌ها و برق‌های ریز و درشت، فریاد نام جمهوری از لابلای خروش گلوله‌ها راهش را به گوش فلک باز می‌کند.

آزادی بیان، اندیشه و قلم یا هر آنچه که با خواندن این مطلب منتش را برگرده ما بار می‌کنند، لطف و کرم حاکمان نیست بلکه حق ما و وظیفه آن‌هاست. ما که عطای آزادی با منت را کنار اختلاس در چتر امنیت به لقایش می‌بخشیم. صدقه‌های چهاردلاری را هم. البته که یارانه نام قشنگ‌تری است. اقتدار استعماری را هم. مستشارهای صلواتی را هم. ولی صد حیف و صد افسوس، آن‌هایی که وام قدرتشان را قرض‌الحسنه‌ی بلاعوض می‌پندارند و ارزنی را نه از اصلش و نه از سودش با ملت شریک نمی‌شوند، دریای کرمان پیش بخل آنها ناچیز است و راستی که از آنها امید احقاق ثروتی را نمی‌رود.

و ما همچنان ایستاده در غبار بلاتکلیفی در انتهای جاده‌ی تقدیر کسی را می‌جوییم. این شکل دردناک و تازه‌ای از آرمانخواهی است! زمانی که دست درگردن ناامیدی به انتظاری تلخ دل خوش می‌کنند.

کسی را چشم در راهیم…

نمی‌دانیم گو شاید،

که این سیمرخ خود ماییم.

امیر جعفری (سال ۲ داروسازی)

کامیاب کریم‌پور (سال ۵ پزشکی)

شورای ضبط آزادی

آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۷۴، به عنوان یک سند بالا دستی، کلیتی برای رسیدگی به تخلفات دانشجویی است که در واقع اصول بر امور انضباطی دانشجویان را تعیین می‌کند، اما برای شفاف‌سازی و تفکیک جزئی تخلفات دانشجویی و یکسان‌سازی نحوه رسیدگی به آن‌ها و برقراری عدالت قانونی، شیوه‌نامه اجرایی آیین‌نامه انضباطی برای اولین بار در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید. در سال‌های بعد با مصوبه‌هایی از سوی دو وزارت بهداشت، درمان، آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری، تلاش شد تا نحوه رسیدگی به دانشجویان به شکل واحدی تدوین گردد.

طی دهه گذشته دانشجویان با سه شیوه‌نامه تصویب‌شده از سوی وزارتین(۱۳۸۸، ۱۳۹۴، ۱۳۹۸) مواجه بودند و هستند که در این بین شیوه نامه سال ۱۳۹۴ مورد قبول وزارت بهداشت نبوده و در ۴ سال گذشته در دانشگاه های علوم پزشکی، شیوه‌نامه سال ۱۳۸۸ اجرا شده‌است.

شیوه‌نامه ۱۳۸۸ یکی از سختگیرانه‌ترین شیوه‌نامه‌ها اجرایی بود که در برابر بسیاری از ارزش‌های دانشجویی قرارداداشت. در مقابل آن، شیوه‌نامه ۱۳۹۴، دارای اصلاحات چشمگیری در جرم‌انگاری بعضی اعمال دانشجویی و روند رسیدگی به تخلفات بود که هرچند اعتراضات شوراهای انضباطی را به دنبال داشت، اما پنجره‌های امید را به روی دانشجویان وزارت علوم گشود. شیوه‌نامه ۱۳۹۸ که در تابستان این سال به شوراهای انضباطی تحویل داده شد، یک عقبگرد فاحش نسبت به شیوه‌نامه ۱۳۹۴ است و علی‌رغم بهبود در برخی امور محدود نسبت به سال ۱۳۸۸، سختگیری‌ها و ابهامات متعددی به آن اضافه شده‌است.

"شورای انضباطی به عنوان نهادی حساس در مجموعه مدیریت دانشگاه موظف است ضمن انجام مسئولیت خود در رسیدگی به تخطی دانشجویان از منش دانشجویی، وظایف اساسی دانشگاه در راستای رشد استعداد‌های دانشجویان و تقویت روحیه اعتماد به نفس و استقلال آنان را مد نظر داشته‌باشد." این جمله عین عبارت مقدمه شیوه‌نامه اجرایی در هر سه شیوه‌نامه ۸۸، ۹۴ و ۹۸ است. دانشگاهی که باید محل رشد دانشجو باشد از جمله آن که فضای آزاد را برای نسل آینده ساز کشور فراهم کند تا آنها بتوانند روحیه آرمانگرایانه اجدادی خود را به تعالی برسانند، در تمامی این روزها و سال‌ها، چه با شیوه‌نامه سال ۱۳۸۸ و چه شیوه‌نامه سال ۱۳۹۸، از آنچه که باید و شاید، روز به روز دورتر شد و می‌شود.

نقطه اشتراک هر سه شیوه‌نامه، ابهامات متعدد آنها است؛ البته شیوه‌نامه ۱۳۹۸ پرابهام‌تر از هر دو شیوه‌نامه قبلی جلوه‌گری می‌کند که می‌توان گفت برای رفع آن به یک شیوه‌نامه‌ی شیوه‌نامه اجرایی جدید نیازمندیم. علاوه بر ابهامات و کلی‌گویی‌های متعدد، در برخی موارد این شیوه‌نامه ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی و اساسی افراد را مورد حمله خویش قرار می‌دهد.

موارد تغییریافته در شیوه‌نامه جدید اعتراض بسیاری از تشکل‌ها و شوراهای دانشجویی را برانگیخته است؛ ما در این متن تلاش کرده‌ایم تا شما را نسبت به موارد تعبیر یافته آگاه سازیم تا آنکه بتوانیم همگی در مطالبه‌ای قانونی خواستار اصلاح شیوه‌نامه فعلی و شاهد بازگشت حقوق دانشجویان و ارزش‌های دانشجویی باشیم.

(تذکر: نحوه رسیدگی به تخلفات دانشجویی در شورای انضباطی بدین صورت است که شورای بدوی عهده‌دار اولین مرحله رسیدگی است، در صورتی که دانشجو به رای صادر شده در شورای بدوی اعتراضی داشته‌باشد در مرحله بعد شورای تجدیدنظر عهده‌دار مسئولیت رسیدگی است. چنانچه دانشجو به رای صادرشده از شورای تجدید نظر اعتراض داشته‌باشد، با رعایت ضوابط مربوطه می‌تواند به شورای مرکزی اعتراض کند و مراحل بعد رسیدگی در شورای مرکزی طی شود. احکام صادر شده از سوی شوراها شامل ۲۰ بند متنوع است که به ترتیب از حکم‌های سبک مثل اخطار شفاهی شروع می‌شود و تا اخراج دانشجو و ۵ سال محرومیت از تحصیل وی (حکم ۲۰) را شامل می‌گردد.)

الف) حذف حق داشتن وکیل و همراه: طبق اصل ۳۵ قانون اساسی(که قانون مافوق و حاکم بر تمامی قوانین دیگر کشور است و هیچ قانون دیگری نباید مغایر آن باشد)، در همه‌ی دادگاه‌ها، طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد. این حق هرچند در شیوه‌نامه ۸۸ و ۹۴ صراحتا ذکر شده، در شیوه‌نامه ۹۸ حذف شده‌است. داشتن وکیل یک حق اساسی است و باید بر شوراهای انضباطی حاکم باشد، حذف همین ۶ کلمه از یک طومار ۴۰ صفحه‌ای دلیل مستندی است بر نقض حقوق اساسی و شهروندی دانشجو.

ب) محدود شدن احکام قابل اعتراض در شورای مرکزی: در شیوه‌نامه سال ۸۸، احکام ۱ تا ۵ غیرقابل رسیدگی در شورای مرکزی بودند؛ در حالی که در شیوه نامه ۹۸ احکام ۱ تا ۸، احکام بدوی و تعلیقی دانشگاه‌ها قابل اعتراض در شورای مرکزی نیستند. محدودشدن احکام قابل اعتراض، یکی دیگر از سخت‌گیری‌های شیوه‌نامه ۹۸ است که به منزله پایمال کردن حقوق افراد است.

ج) کاهش تاثیر رای اعضای دانشجو در شورای انضباطی بدوی(اولیه): شورای بدوی در شیوه‌نامه سال ۸۸ دارای ۵ عضو است که از این تعداد ۲ نفر دانشجو هستند. در برابر آن شیوه‌نامه سال ۹۸ داری ۷ نفر عضو است که تعداد اعضای دانشجوی آن همان دو نفر است. این تغییر به معنای کاهش تاثیر مستقیم رای و نظر دانشجو است و سختگیری‌های موجود را نسبت به دانشجویان افزایش می‌دهد.

د) جرم انگاشتن انتشار اسناد، اطلاعات و داده‌های دانشگاه: از دیگر بحث‌های مطرح شده در این شیوه‌نامه، در ماده تخلفات رایانه‌ای و مخبراتی، جرم انگاشتن انتشار اسناد، اطلاعات و داده‌های دانشگاه است که می‌تواند منجر به کاهش آگاهی دانشجویان، حفظ مغرضانه منافع عده‌ای مثل بعضی تشکل‌ها و فلج کردن پیگیری های صنفی گردد. معاون فرهنگی وزارت بهداشت، سیما سادات لاری، صراحتا درباره این مسئله اشاره می‌کند:((اگر دانشجویی مسائل مربوط به دانشگاه نظیر بودجه آن را نشر دهد و فردی از او شکایت کند، به شکایت او رسیدگی می‌شود)). شاید بتوان انتشار اسناد محرمانه دانشگاه را جرم انگاشت اما آنکه هر گونه انتشار اسناد دانشگاهی به عنوان جرم تلقی شود، غیر قابل توجیه است.

ه) عدم رسیدگی به پر ابهامترین ماده این شیوه‌نامه: عدم رعایت شئون دانشجویی: شئون دانشجویی مطابق با شیوه‌نامه یعنی هر گونه رفتار خلاف شئون، منزلت و عرف مسلم که دانشگاهیان آن را مذموم بدانند. این بند که صراحتا اشاره می‌کند آنچه که دانشگاهیان(شورای انضباطی) مذموم بدانند، مهمترین راه را برای برخورد سلیقه‌ای با دانشجو فراهم می‌کند. این بند با تمامی نقدهایی که به آن وارد است، نه تنها اصلاح نیافته و توضیح جامعی درباره آن ارائه نشده، بلکه با حذف و اضافه‌هایی که منطقتش مشخص نیست، پر ابهام‌تر شده‌است. در شیوه‌نامه ۸۸ مواردی مثل عدم رعایت حقوق دیگران، پرخاشگری و ایجاد درگیری خلاف منزلت دانشجویی شناخته می‌شد که این موارد هم از شیوه نامه ۹۸ حذف شده است. پرسشی که می‌توان طرح کرد، آن است که پس از گذشت تمامی این سال‌ها، آیا شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارتین نباید تدبیری بر این بند مجهول‌الحال می‌انديشند؟

مهسا پورمهدی (سال ۳ پزشکی)

ویژه‌نامه روز دانشجو

به وقت تریبون…



فکر کنید در ایران با هزار زحمت و مشقت مدرک گرفته‌اید و حال دنبال راهی برای خروج از ایران و گرفتن اقامت در کشور دیگری هستید. قصد دارید به جایی بروید که قدرتان را می‌دانند و به شما امکان پیشرفت می‌دهند. این موضوع را صراحتاً می‌توان از سخنان یکی از نخبگان جوان ناامید از وضع کشور در حضور رهبر انقلاب دریافت کرد.**رضا کیانی** پور، دانشجوی پزشکی و دارنده مدال طلای المپιάد زیست شناسی: **" نخبه ما ناامید می‌شود، از خودش، از مردمش، از مملکتش و ناامیدی یک نخبه چیز کمی نیست. از دست رفتن یک نخبه از دست رفتن یک مغز است. تعداد زیادی از المپیادی‌های این کشور در فکر فرار هستند. فرار! و نه مهاجرت. فرار یعنی فقط می‌خواهی اینجا نباشی و این بی‌عدالتی‌ها و تبعیض‌ها را نبینی "**.

سالهاست که دلایلی همچون فساد اداری، پارتی بازی، نبود نظام شایسته سالاری، عدم وجوداهتمام جدی برای تصحیح اشتباهات مدیران و صد البته ظهور طبقه نوسرمایه‌داران یا به زبان خودمانی آقازاده‌ها، باعث سرخوردگی فارغ‌التحصیلان و فرار آنها به خارج می‌گردد. در ادامه همین نخبه اشاره می‌کند یکی از علل نتایج ضعیف المپیادهای علمی آن است که متولی اصلی المپیاد، یعنی باشگاه دانش پژوهان جوان در حال زوال است.

به گزارش گروه فناوری خبرگزاری دانشجو به نقل از شورای عالی انقلاب فرهنگی، سالانه بین ۳۲ تا ۴۰ هزار نخبه از ایران مهاجرت می‌کنند. آمار بحث برانگیزی که می‌تواند یک کشور را فلج کند. تعداد قابل توجهی از نفرات برتر کنکور سراسری تحصیلات تکمیلی خود را در کشورهای دیگری مثل آمریکا ادامه می‌دهند. چرا کسی پاسخگوی این آسیب اجتماعی ویرانگر برای کشوری نیست که ذره ذره سرمایه‌های انسانی غنی خود و مهمترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را از دست می‌دهد. به راستی که اگر با همین روند پیش برویم توسعه‌یافتگی و بهره‌وری از امکانات کشور با مشکل اساسی روبه‌رو خواهدشد.

هرساله دانشجویان در یکی از شب‌های ماه مبارک رمضان، میهمان ضیافت افطاری بیت رهبری هستند و نمایندگانی از آن‌ها به بیان دغدغه‌ها، مسائل و مشکلات می‌پردازند. اما نکته‌ی قابل توجه، نوع گزینش سخنرانان و در بعضی موارد حذف دقیقه نودی نماینده تشکل‌هایی است که حضور آنها پشت تریبون از مدتی پیش رسانه‌ای هم شده‌است. با بررسی سه سال اخیر متوجه سیری نامتعارف در چینش سخنرانان یک جریان دانشجویی خاص در این سلسله جلسات می‌شویم. از ۸ نفر سخنران سال ۹۶، همه دارای جهت گیری فکری مشابه بودند و از دانشجویان با گرایش‌های متفاوت هیچ فردی حضور نداشت.

همچنین از ۱۱ نفر سخنران سال ۹۷ تنها سحر مهرایی، آن هم نه به نمایندگی سایر طیف‌های فکری، بلکه به عنوان عضو شورای مرکزی ناظر بر نشریات وزارت علوم به بیان انتقادات متفاوتی پرداخت. متأسفانه در سال ۹۸ شاهد رفتاری تعجب برانگیز از طرف برگزارکنندگان این جلسه بوده‌ایم: **حذف تریبون انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در دیدار با رهبری به علت نامشخص آن هم ساعتی پیش از آغاز مراسم!** حال سوال اینجاست: چرا باید چنین اتفاقی در نشستی به این مهمی رخ دهد؟ چرا کسی پاسخگوی موضوع نیست؟

مهرداد پولادی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران به دنبال این موضوع در مصاحبه‌ای با ایرنا پلاس گفت: **"یکی از مهمترین مسائلی که قصد داشتم تا در حضور رهبری مطرح کنم، تبعیض‌هایی است که علیه گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی به بهانه‌های مقدس اعمال می‌گردد. مصداق همین رفتارهای تبعیض آمیز، چینش سخنرانان در افطاری بیت رهبری است که همه متعلق به یک جریان سیاسی هستند"**. این طرز از برخورد و جلوگیری از مطرح شدن دغدغه‌های دانشجویان با خط فکری متفاوت، به زبان کشور خواهد بود در صورتی که شخص رهبری همواره در سخنانشان از شنیدن صداهای مختلف دفاع کرده‌اند. همچنین پولادی اشاره می‌کند: **"حذف صداهای منتقد شائبه مهندسی این جلسه را ایجاد می‌کند، درحالی‌که نباید شائبه سیاسی کاری در انتخاب سخنرانان چنین مراسمی که نه جناحی سیاسی بلکه ملی است ایجاد شود"**. اما حداقل در سه سال اخیر شاهد آن بودیم که چنین مطلب مهمی از سوی متولیان امر که باید الگوی حفظ وحدت و رفع تبعیض باشند، نادیده گرفته می‌شود و در عین دعوت زبانی دانشجویان به آزاداندیشی و آزادی بیان، خود آن را فراموش کرده‌اند که تاسف برانگیز است.

شوراهای صنفی در بستر قانونی و با مشارکت دانشجویان می‌توانند عاملی برای بهبود شرایط آموزشی و رفاهی واحدهای دانشگاهی باشند. این شوراها به عنوان بازوی مشورتی مسئولین دانشگاه از طریق رای مستقیم دانشجویان انتخاب شده و در واقع مهمترین حلقه ارتباطی دانشجویان و مسئولان دانشگاه محسوب می‌شوند. اما در سال‌های اخیر اکثر خواسته‌های صنفی دانشجویان فقط در حد مطالبه باقی مانده و عملاً اقدام موثری به دنبال آنها دیده نمی‌شود. این مطلب به وضوح در گفت‌وگوی احمدرضا احمدی، دبیر شورای صنفی دانشجویان صنعتی شاهرود با خبرگزاری دانشجو من باب صحبت‌های روز دانشجو رئیس جمهور در دانشگاه سمنان به چشم می‌خورد. **" مسئله دیگری که موجب سلب نسبی رضایت جامعه فعالان صنفی دانشجویی ما شده‌است، گم شدن همیشگی مسائل صنفی در پاسخگویی‌های مسئولان به خواسته‌های دانشجویان است، که امروز نیز شاهد آن بودیم. جناب رئیس جمهور در میان بیانات و پاسخگویی‌هایشان هیچ اشاره‌ای به هیچ خواست صنفی ما نکردند و تنها پاسخ‌های وی حوزه سیاسی را در بر گرفته‌بود. این درحالی است که دانشجویان ما هر ساله با مشکلات صنفی و رفاهی فراوانی مواجه هستند و بعضا این مشکلات آن قدر حاد می‌شود که صدمات عمیق و خاص آنها را بر تحصیل دانشجویان می‌توان شاهد بود"**.

درست است در این طیف نشست‌ها پرداختن به مشکلات اساسی و سیاسی کشور جزئی اجتناب‌ناپذیر از سخنرانی‌ها و پاسخ های آنان است، اما بی‌توجهی به مطالبات تنها مرجع پیگیری حقوق صنفی دانشجویان قابل چشم پوشی نیست. خبرگزاری ایسنا به بهانه روز دانشجو با چندتن از دانشجویان در مورد مشکلاتشان به گفت‌وگو پرداخت که در صحبت‌هایشان مواردی مثل پولی شدن آموزش، اوضاع نابسامان خوابگاه‌ها، بی کیفیتی غذای دانشگاه‌ها، قانون سنوات، بومی گزینی، تبعیض جنسیتی در پذیرش، بی توجهی مسئولان به امور آموزشی و صنفی و… به چشم می‌خورد. با این وضع مسؤلان همواره از افت یویایی دانشگاه‌ها گلایه دارند و اول و آخر، دانشجو را به عنوان مقصر صد در صد متهم می‌کنند. در بسیاری از سخنرانی‌های رجال دولتی و دانشگاهی به جملات تقریباً مشابهی برخورد می‌کنیم که با «قرار است» و «قرار گذاشته ایم» شروع می‌گردد. امان از وقتی که فعل، ماضی بعید می‌شود، می‌گویند «قرار بود» و این «بود» گفتن یعنی حالا حالاها بگردید ببینید مطالبه مربوط به چندین سال پیش و در صورت اقدام برای حل آن، در فرآیند بروکراسی کدام اداره متروک شده است! متأسفانه نه تنها اکثر قریب به اتفاق این خواسته‌های صنفی، بلکه خود دانشجویان نیز بین «است ها و بودها» گم می‌شوند، تا جایی که دیگر کارد به استخوان دانشجو برسد و آن وقت است که پیگیری‌ها، قرار است از سر گرفته می‌شود.

شوراهای صنفی دانشجویان کشور در آستانه روز دانشجوی ۹۷ در بخشی از بیانیه‌ی خود اعلام کرد: **" معتقدیم راه حل برون رفت از بحران‌های موجود کنونی، بازگرداندن حق اداره و تصمیم‌گیری به مشارکت‌کنندگان و مولدان اصلی[دانشجویان] یک محیط [دانشگاه] است"**. زهر/امینی نماینده انجمن اسلامی دانشگاه آزاد شاهرود در دیدار با جناب روحانی پیشه‌هاد پیگیری مطالبات دانشجویان و تشکیل کمیته‌ای برای ارتباط مستقیم آنان با رئیس جمهور را مطرح کرد. ما نیز معتقدیم این موضوع تنها با درست شنیدن صدای دانشجو از جانب متولیان امر محقق خواهدشد و امیدواریم خواسته‌های صنفی مورد اقبال مسئولین قرار گرفته و در آینده‌ای نزدیک شاهد رفع حداکثری مشکلات دانشجویان عزیز کشورمان باشیم.

کوثر مرادپور (سال ۱ پرستاری)

@anjomaneslami_daneshjuyi

کانال تلگرام انجمن اسلامی دانشجویی: